

# آزادی بیان در تقابل با دادرسی منصفانه: تاثیر بازنمایی رسانه ای جرم بر نقض دادرسی منصفانه

کرمانی سعید<sup>۱</sup>، سید زاده ثانی مهدی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه غیر انتفاعی تابران، ایران  
<sup>۲</sup> استادیار گروه حقوق، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران. (نویسنده مسؤول) seyyezadeh@yahoo.com

نویسنده مسئول: seyyezadeh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۳ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۷

## چکیده

به موجب موازین بیان شده در اعلامیه حقوق بشر دو اصل آزادی بیان و دادرسی منصفانه، از جمله حقوق بنیادین بشر هستند که در تمام نظام های حقوقی می بایست رعایت شوند. این دو اصل در مقام نظر تضادی با هم ندارند، ولی در مقام عمل، کاربست اصل آزادی بیان توسط رسانه ها می تواند نقض دادرسی منصفانه را در پی داشته باشد. هدف اصلی این مقاله بررسی نقش آزادی رسانه ها در فرآیند رسیدگی به جرایم و مطالعه برخی نمودها پیرامون این نقش است. روش مطالعه این پژوهش با استفاده از روش کیفی، تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک و تحلیل برخی از گفتمان های کارکنان نظام عدالت کیفری است. یافته های این پژوهش نشان می دهد که رسانه ها و خبرنگاران و دبیران سرویس خبری برای انتخاب اخبار به صورت کلی و اخبار جنایی از اصول حرفه ای خاصی تبعیت می کنند که با عنوان دروازه بانی خبر یا ارزش خبری از آن یاد می شود. به جهت عمل این اصل، رسانه ها به هدف جذب مخاطب، تمرکز خود را بر جرایم مهم و خشن می گذارند. بازنمایی تقویت شده برخی جرایم در رسانه ها به هراس اخلاقی، ترس از جرم و عوام گرایی کیفری دامن می زند و همین مسئله سبب نادیده انگاشتن برخی از اصول دادرسی منصفانه (اصل برائت، رسیدگی در مهلت معقول، استقلال و بی طرفی مرجع قضایی، حق داشتن وکیل مدافع) در بعضی موارد می گردند

**کلیدواژه:** رسانه، دادرسی منصفانه، هراس اخلاقی، عوام گرایی، ترس از جرم.

## مقدمه

در آموزه های بیان شده در اعلامیه حقوق بشر، دو حق به چشم می خورد که در ابتدا تعارضی با هم ندارند: آزادی بیان و دادرسی منصفانه. امروزه حق بر دادرسی عادلانه برای اطراف دعوی از راهبردی ترین و پراهمیت ترین اصول آیین دادرسی کیفری به شمار می رود؛ چرا که، در رسیدگی های کیفری آنچه در معرض خطر و تهدید قرار می گیرد جان و شخصیت انسان می باشد؛ حال آنکه در دادرسی های مدنی این اموال هستند که موضوع دادرسی قرار می گیرند و این خود سبب اهمیت بسیار بالای دادرسی های کیفری می شود.

به طور کلی دادرسی عادلانه یا منصفانه شامل مجموعه معیارها و تضمیناتی است که جهت رعایت حقوق طرفین در فرآیند دادرسی انواع دعاوی نزد دادگاهی صلاحیتدار، مستقل، بی طرف و قابل پیش بینی در مکانیزم قضایی پیش بینی شده است (حسینی، ۱۳۹۳: ۶-۵). برخی از این اصول عبارتند از: حق دادخواهی، استقلال و بیطرفی مرجع رسیدگی، برابری امکانات دفاع، برخورداری از تسهیلات و مهلت کافی دفاع، حق رسیدگی حضوری، حق تجدیدنظرخواهی، حق رسیدگی علنی، حق رسیدگی در مهلت معقول، اصل تقابل یا تناظر، اصل برائت، تفهیم اتهام، اخذ وکیل، داشتن مترجم، قانونی بودن بازداشت، منع خودسرانه بازداشت، حق سکوت، حق جبران خسارت برای عدم اجرای عدالت و ممنوعیت مجازات مضاعف (همان: ۱۴-۹). برخی از مصادیق دادرسی عادلانه از جمله اصل برائت، حق رسیدگی علنی، جلوگیری از بازداشت خودسرانه و ... در قوانین ما پیش بینی شده است و برخی دیگر از جمله حق رسیدگی در مهلت معقول، اصل تقابل یا تناظر و ... در اسناد بین المللی به آن ها اشاره شده است. انجام یک دادرسی منصفانه مستلزم رعایت این اصول در فرآیند رسیدگی است.

از سوی دیگر، حق آزادی بیان و پیرو آن آزادی رسانه ها از جمله حقوق بنیادین مورد حمایت در حقوق بشر است. آزادی بیان، بنیادی ترین حق وسایل ارتباط جمعی است و دیگر آزادی ها و حقوق رسانه ای همانند حق دسترسی به اطلاعات، حق انتقاد، حق استقلال رسانه ها، لزوم حمایت از تکثرگرایی

رسانه ای، منع سانسور و حق انتشار آزاد نیز ریشه در آزادی بیان دارند و به شدت از آن متأثرند. پیرو این اصل رسانه ها آزادند تا مطالب مد نظر خود را منتشر کنند. از این رو اصل بر آزادی مطالب در رسانه ها است و نظام های حقوقی هر یک به فراخور تحمل و سعه صدر خود، صرفاً به تبیین خطوط قرمز رسانه ها می پردازند.

با توجه به مطالب فوق، آزادی بیان و دادرسی منصفانه، دو اصل متفاوت هستند که در مقام نظر تعارضی با هم ندارند. اما بسان هر دو اصل نامتعارض، ممکن است اجرای این دو اصل با یکدیگر تزاخم یابد و پایبندی به هر دو این اصول در مقام عمل ممکن نباشد. در ادامه ضمن تبیین علل تزاخم آزادی بیان و دادرسی منصفانه، با بررسی موردی و اسنادی به بیان مصادیقی از نقض دادرسی منصفانه به علت آزادی بیان رسانه ها خواهیم پرداخت. سوال این مقاله آن است که آیا آزادی رسانه ها در انتشار و بازنمایی داده های عدالت کیفری، به نقض دادرسی منصفانه منجر نخواهد شد؟ روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش روش تحلیل محتوا است که این روش بکارگیری روش های علمی برای بررسی محتوی مدارک اسنادی است. به عبارت دیگر تحلیل محتوا یکی از روش های کلاسیک تحلیل داده های متنی است بی آنکه به این توجه داشته باشد که از کجا آمده اند. از ویژگی های دیگر تحلیل محتوا، عینیت، انتظام و عمومیت است (حسینی و دشتی، ۱۳۹۱: ۳۹). به علاوه در مقاله حاضر هدف آن است که با استفاده از روش تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک و تحلیل برخی از گفتمان های کارکنان نظام عدالت کیفری به تاثیر رسانه ها در نادیده انگاشتن برخی از اصول دادرسی عادلانه در فرآیند کیفری بپردازیم.

### ۱. تزاخم آزادی بیان و دادرسی منصفانه

همانگونه که در بالا اشاره شد، آزادی بیان و دادرسی منصفانه هر یک اصولی هستند که در جای خود محترم و لازم الرعایه هستند. این دو اصل در مقام نظر تعارضی با هم ندارند. سوال این است که چگونه ممکن است علی رغم عدم تعارض نظری، این دو اصل در مقام عمل با یکدیگر تزاخم یابند. برای درک پاسخ این سوال، نخست می بایست نیم نگاهی به نحوه عملکرد رسانه ها داشته باشیم. اخبار پیرامون عدالت کیفری و یا به زبان دیگر، اخبار جنایی قیل از هر چیز نوعی خبر هستند. بنابراین از قواعد عمومی راجع به نشر اخبار تبعیت می کنند. به علاوه، همچون هر امر دیگری، اطلاع افراد پیرامون جرم و مجازات ها از طریق رسانه ها و پیگیری اخبار است، به موجب یک پژوهش انجام شده در ایران، حدود ۸۵ درصد خوانندگان مطبوعات، اخبار حوادث را در روزنامه ها مطالعه می کنند (گرانپایه، ۱۳۸۴: ۳۴). از این میزان ۲۴/۹ درصد در حد خیلی زیاد، ۳۱/۷ درصد در حد زیاد و ۲۵/۷ درصد در حد کم اخبار حوادث را در روزنامه ها مطالعه می کنند. در این میان تنها ۱۷/۷ درصد افراد بوده اند که اخبار حوادث را مطالعه نمی کردند. در میان کسانی که اخبار حوادث را دنبال می کنند، بیش از ۲۵ درصد اعلام کرده اند که اخبار قتل را بیش از سایر اخبار جنایی پیگیری می کنند. بعد از قتل، سرقت و آدم ربایی، هر یک با ۱۵ درصد بیشترین مخاطبان را داشته اند (همان، ۳۷).

در جامعه امروز، اکثر پدیده های اجتماعی از طریق رسانه های گروهی معرفی و به نوعی بازتولید می شوند، به گونه ای که اگر امری در هیچ یک از انواع رسانه بازتاب نیابد، گو اینکه وجود خارجی نداشته است. عدالت کیفری نیز از این امر مستثنا نیست. تولیدات عدالت کیفری در بستر جامعه نوعاً از طریق رسانه های گروهی که اخیراً با فن آوری های نوین متنوع تر و غنی تر شده است، معرفی و درک می شوند. به عبارت دیگر، رابط میان کارکرد نهاد های کیفری و عملکرد آنها و تابعان حقوق کیفری رسانه ها هستند. اکثر مردم تجربه شخصی کمی در رابطه با نظام عدالت کیفری دارند و از همین رو تصویر مردم از عملکرد و کارایی نظام عدالت کیفری بیش از هر چیز بر گرفته از تصویری است که رسانه ها به نمایش می گذارند (Marsh and Melville, 2009: 128).

اخبار جنایی، از قواعد عمومی نشر در رسانه تبعیت می کنند. در میان اصول اولیه رسانه، قاعده مهمی رخ می نماید و آن اصل دروازه بانی خبر است. فرآیند انتخاب و گزینشگری در فعالیت حرفه ای مطبوعاتی به قدری حائز اهمیت است که عده ای از صاحب نظران، کل فرآیند روزنامه نگاری را در «انتخاب» خلاصه می کنند. انتخاب در فرآیند حرفه ای روزنامه نگاری از تولید تا مصرف خبر، چند مرحله دارد؛ در نخستین مرحله، خبرنگاری که برای تهیه گزارش از یک رویداد، عازم محل می شود براساس ترکیبی از فشارهای ناشی از سلايق و عقاید شخصی خویش و سیاست های مؤسسه مطبوعاتی و برداشت شخصی از انتظارها و سلايق خوانندگان، برخی جوانب حادثه را از قلم انداخته و بر قسمت های دیگر تأکید می کند و بدین ترتیب گزارشی از نحوه وقوع رویداد تهیه می کند و تحویل مؤسسه می دهد. از این روی سردبیران خبر در مؤسسات خبری مواجه با ده ها خبری هستند که بدین شکل تهیه و تنظیم شده است. در دومین مرحله که مرحله گزینش است، سردبیران از بین اخبار متعدد، برخی را برای چاپ انتخاب می کنند. نهایتاً در سومین مرحله، خوانندگان مطبوعات نیز از میان ده ها خبر چاپ شده در روزنامه بنا به علايق و شرایط زندگی و شغلی خود برخی را انتخاب و مطالعه می کنند. در این فرآیند سه مرحله ای انتخاب، می توان دو مرحله نخست را مهم ترین مراحل نامید چرا که در سومین مرحله خوانندگان ناگزیرند مطالب خود را از میان مطالب انتخاب شده دو گروه اول، انتخاب کنند.

مفهوم گزینشگری که بیانگر فرآیند انتخاب خبر در رسانه هاست، نخستین بار توسط کورت لوین جامعه شناس آمریکایی در سال ۱۹۴۷ به کار گرفته شد. وی در یکی از تحقیقاتش به این موضوع اشاره داشت که بر فرآیند انتقال خبر از رویداد تا خواندن، عوامل گوناگونی نظارت دارند. به نظر وی در فرآیند خبر، اعمال نظرهای گوناگون توسط گزینشگران مختلف صورت می گیرد و آن چه به نام خبر در روزنامه یا برنامه اخبار رادیو و تلویزیون به مخاطب ارائه می شود،

حاصل انتخاب‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و اعمال نظرهای افراد گوناگون است (Blumler, 1992: 102). بنابراین مهم‌ترین مرحله در تهیه و ارسال خبر توسط مؤسسات خبری را می‌توان گزینش و دروازه‌بانی خبر نامید. چرا که عوامل و معیارهایی که در این مرحله، وظایف خبری رسانه‌ها را متأثر از خود می‌سازند، ممکن است منجر به بی‌اعتباری یا کاهش اعتبار آن‌ها شوند. بنابراین نقش این عوامل و تأثیر معیارهای گزینش خبر برای رسانه‌ها می‌تواند مسئله‌ای حیاتی باشد.

اگر بخواهیم اصل دروازه بانی خبر را در حیطة عدالت کیفری بررسی کنیم، به نتایج قابل توجهی می‌رسیم. رسانه‌های ارتباط جمعی و خبرگزاری‌های بزرگ بین‌المللی طبق ماهیت کار رسانه ای خود امکان انتشار کل اخبار جنایی را ندارند و به ناچار دست به گزینشگری اخبار جنایی می‌زنند و با توجه به ملاک های موجود در گزینشگری، اخبار جرایم مهم و خاص شانس بسیار بیشتری برای انعکاس در رسانه‌های گروهی دارند. به عنوان نمونه، در بررسی مطالب ۸۰۰ روزنامه و مجله در کانادا مشخص شد که بیش از نیمی از اخبار حوزه عدالت کیفری به جرایم خشونت بار اختصاص داشته و در این میان قتل، موضوع ۵۰ درصد اخبار جرایم خشونت‌بار بوده است. انعکاس اخبار جنایی هیچ تناسبی با میزان واقعی جرایم و به خصوص جرایم خشونت بار ندارد: در مدت انجام تحقیق فوق تنها ۱۱ درصد جرایم ارتكابی در کانادا خشونت بار بوده‌اند، و از این میزان قتل تنها ۱ درصد کل جرایم بوده است؛ حال آنکه در انعکاس رسانه ای این نسبت رعایت نشده و همانگونه که بیان شد، ۲۵ درصد اخبار حوادث به بازنمایی اخبار قتل‌ها اختصاص داشته است (Ibid). بنابراین طبیعی است که مخاطبان رسانه‌ها با شنیدن نام عدالت کیفری به یاد خشونت، قتل، مقتول، بی‌رحمی و... می‌افتند که تصویری واقعی نیست. در عدالت کیفری به ازای هر حکم محکومیت، دهها حکم برائت صادر می‌شود که نوعا در رسانه‌های گروهی منعکس نمی‌شوند. به دیگر سخن، کمتر می‌توان در رسانه‌های گروهی سراغی از اخبار جرایم سبک نظیر حمل مقادیر کم مواد مخدر، صدور چک بلامحل و... گرفت و یا نهادهایی چون تخفیف، تعلیق و آزادی مشروط را در رسانه‌ها یافت.

بنابراین، درک اکثر مردم جامعه از عملکردهای نظام عدالت کیفری نظیر نحوه رسیدگی‌های قضایی، میزان جرایم و شیوع آنها از طریق رسانه‌های گروهی بدست می‌آید. به دلیل تأثیر بسیار زیاد رسانه‌های گروهی بر طرز فکر و اندیشه مردم، این میزان واقعی جرایم ارتكابی نیست که اهمیت دارد، بلکه آن چه اهمیت دارد میزان جرایمی است که مردم از طریق رسانه‌ها باور می‌کنند.

تصویر اغراق شده‌ای که از این فرآیند به نسبت پیچیده به مخاطب می‌رسد، به همراه خود، آثاری چون هراس اخلاقی، ترس از جرم و عوام‌گرایی کیفری را به ارمغان خواهد آورد. ارمغان این نتایج تحدید حقوق دفاعی متهم و به دیگر سخن، نقض دادرسی منصفانه خواهد بود. در ادامه ضمن بیان نمودهای نقض اصول دادرسی منصفانه در اثر بازنمایی رسانه‌ای پرداخته خواهد شد.

## ۲. نمودهای نقض اصول دادرسی منصفانه در اثر بازنمایی رسانه‌ای؛

پیش‌تر اشاره شد که رسانه‌ها به دلیل ماهیت عملکردی خود و در جبر حاصل از ارزش خبری، تصویری ناموزون از عدالت کیفری منتشر می‌کنند. این امر به نوبه خود اموری چون ترس از جرم، عوام‌گرایی کیفری و هراس اخلاقی را سبب می‌شود. در ذیل به بررسی نمودهایی از تأثیر این مسائل بر نقض اصول دادرسی منصفانه به شیوه مطالعه موردی در نظام حقوقی ایران خواهیم پرداخت.

### ۲-۱. تبدیل اصل برائت به اماره مجرمیت

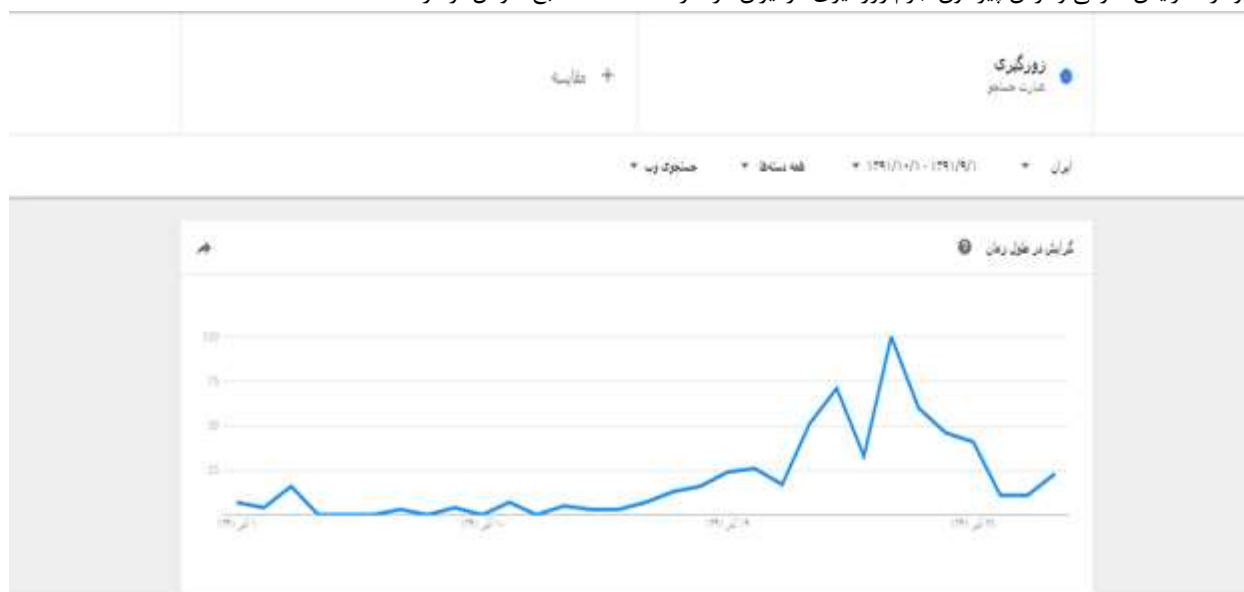
اصل برائت، یکی از اصول بنیادین حقوق کیفری می‌باشد که به موجب آن مقام تعقیب وظیفه اثبات تمام عناصر یک اتهام را ماورای شک و تردید معقول بر عهده دارد (گل خندان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۶). در تعبیر دیگری اصل برائت، یک اصل قانونی است که شخص را نسبت به جرمی که متهم به ارتکاب آن می‌باشد، بی‌گناه قلمداد می‌کند و مقام تعقیب را ملزم می‌کند که اتهام متهم را ماورای شک و تردید معقول اثبات نماید(همان). قانون اساسی ایران، همگام با اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی لزوم رعایت اصل برائت را گوشزد کرده است.

بازنمایی رسانه‌ای جرایم، به خصوص جرایم خشن می‌تواند افزایش ترس از جرم را سبب شود. "ترس از جرم واکنشی احساسی است که با دو ویژگی وحشت و دلهره نسبت به جرم و یا نمادهای آن مرتبط است" (به نقل از سیدزاده ثانی و کرمانی، ۱۳۹۲: ۱۲۰). ترس از جرم وابسته به عوامل بسیاری است، این عوامل عبارتند از: بی‌سازمانی اجتماعی، تنوع خرده فرهنگی، متغیرهای جمعیت‌شناختی، تجربه قبلی بزه دیدگی، پیوند اجتماعی، پلیس و رسانه. در این میان رسانه نقش بسیار پررنگی در ایجاد ترس از جرم ایفا می‌نماید. بدین صورت که گاهی اوقات رسانه‌ها با نمایش وسیع خبری یک واقعه جنایی سبب افزایش ترس از جرم در میان افراد می‌گردند و به تبع آن این ترس افراد می‌تواند سبب درخواست سخت‌گیری‌های کیفری گردد و دادرسی‌های کیفری را با چالش مواجه نماید.

ترس از جرم در عرصه اجتماعی می‌تواند کارکرد مثبت و یا منفی داشته باشد. به عنوان نمونه از جمله کارکردهای مثبت می‌توان به کاهش نرخ قربانی شدن، کاهش آسیب و صدمه وارده به افراد، ترویج و تقویت احتیاط، تیزبینی و هوشیاری و اتخاذ رفتارهای تدافعی یا کناره‌جویانه در دنیای پرمخاطره امروز اشاره کرد(ربانی خوراسگانی و همتی، ۱۳۸۸: ۸۴).

اما در عرصه حقوق کیفری، ترس از جرم می تواند سیاست کیفری عوام گرا را سبب شود. توضیح آنکه در کشورهایی که سیاست های عمومی و اجتماعی و به طور خاص سیاست های کیفری به اعتبار مبنای دموکراتیک دولت هایشان تحت تأثیر مستقیم افکار عمومی قرار دارند، همواره کوشش می شود که سیاست های مورد نظر در موافقت با افکار عمومی و یا برای شکل دهی به آن شکل بگیرند (محمودی جانکی و مرادی حسن آبادی، ۱۳۹۰: ۲). ترس از جرم در سیاست جنایی عوام گرا نقش پررنگی ایفا می نماید. سیاست جنایی عوام گرا بیشتر احساسی و سیاست زده است؛ به منظور تسکین انتظارات و مطالبات فوری و مقطعی مردم و موقعیت بزه دیدگان بالقوه اعمال می شود. یکی از دلایل گرایش به سیاست های عوام گرا در قلمرو کنترل جرم، استناد به احساس ناامنی و نگرانی مردم یا قشری از جامعه است (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۹-۱۳۹۰: ۲۴ و ۲۸). ترس از بزه دیدگی نیز سبب می شود مردم تأثیرگذاری افزونی را در استفاده از کیفر درک و دریافت کنند (محمودی جانکی و مرادی حسن آبادی، ۱۳۹۰: ۱۸). در این صورت است که با افزایش ترس از جرم و مطالبات مردمی پیرامون اجرای مجازات های سنگین و سریع سبب نقض برخی از اصول دادرسی می گردد. جلوه هایی از این بزرگ نمایی رسانه ای و ایجاد ترس از جرم که در نتیجه باعث افزایش سزاگرایی و نقض اصل برائت شده است در کشور ما نیز دیده می شود. به عنوان نمونه در آذر ماه ۱۳۹۱ پوشش وسیع خبری زورگیری خیابانی که در آن مردی جوان توسط ۳ نفر موتورسوار در روز روشن در وسط تهران مورد حمله واقع شده و موتورسواران پس از ربودن اموال وی (که ظاهراً بیش از ۷۰ هزار تومان ارزش نداشت)، ایراد جراحات (بسیار جزئی) پا به فرار گذارند. دوربین مدار بسته واقع در خیابان فیلم این درگیری را از ابتدا تا انتها ضبط می کند. این فیلم بلافاصله پای خود را به اینترنت باز کرده و میان مردم دست به دست می گردد. این واقعه به شدت مورد توجه افکار عمومی واقع شد و علاوه بر رسانه های دیجیتال، صدا و سیما نیز در بخش خبری پر بیننده ۲۰:۳۰ اخبار آن را منتشر کرد. پس از این بازنمایی، میزان هراس مردم از زورگیری رو به فزونی نهاد. افزایش نگرانی مردم نسبت به این جرم در این برهه زمانی، صرفاً ادعا نیست و می توان با کمک نمودار شماره ۱ آن را ثابت نمود.

نمودار ۱. افزایش نگرانی و ترس پیرامون جرم زورگیری در ایران در آذر ماه ۱۳۹۱ (منبع: گوگل ترندز)



این نمودار بیانگر میزان جستجوی واژه زورگیری در موتور جستجوی گوگل است. مشاهده می شود که این کلید واژه در آذرماه ۱۳۹۱، در بازه زمانی ۲۰ و ۲۲ آذر به شدت اوج گرفته و دوباره فرود می آید. با دقت در نحوه فراز و فرود میزان جستجوی زورگیری در گوگل نکته دیگری نیز فاش می شود. روز حادثه ۱۲ آذر بوده است. در فاصله ۸ روز بعد از حادثه، میزان جستجو به آرامی رو به افزایش گذاشته است که این موضوع با توجه به ضعف نسبی فضای مجازی در این دوران و نبود نرم افزارهای پرکاربری چون تلگرام قابل توجیه است. کلیپ دزدی پس از پخش خبر در اخبار در ۲۰ آذر میزان جستجو به مرز ۷۵ واحد می رسد، ولی روز بعد از آن است که میزان جستجو به بالاترین میزان که ۱۰۰ باشد نزدیک می شود. علت را می توان در واکنش مقامات قضایی نسبت به این حادثه جستجو کرد.

دقیقاً پس از پخش زورگیری خیابانی در رسانه ها موجی از هراس و ترس در میان اذهان عمومی در کشورمان پیرامون جرم زورگیری ایجاد شده که پیش از آن این نگرانی وجود نداشت. روز بعد حادثه رسانه ها مجدداً به نظرسنجی از مردم درباره مجازات متهمین پرداختند، که در نظرسنجی ها به دلیل ترسی که در مردم به وجود آمده بود، اکثر مردم خواستار اعدام متهمین بودند. پس از پخش این تصاویر یکی از عالی ترین مقامات قضایی در رسانه ملی پیش از

محاکمه و دادرسی متهمین اعلام داشتند که: "وقوع چنین اتفاقاتی در کشور اسلامی ما تکان دهنده است و حسب موازین شرعی و قانونی مصوب، تفاوتی میان به کارگیری سلاح سرد یا گرم وجود ندارد و در حکم محاربه و مجازات آن نیز اعدام است" (روزنامه خراسان، ۲۳ دی ۱۳۹۱).

به لحاظ حقوقی این اظهار نظر از جهات مختلف با ایراد مواجه بود. نخست آنکه هر زورگیری محاربه محسوب نمی شود و از همین رو قانونگذار بین سرقت مسلحانه یا همراه با آزار و محاربه تفکیک قائل شده است. برای احراز محاربه نیاز به اثبات سوء نیت خاص مبنی بر قصد ارباب است که عدم اثبات آن محاربه حدی را تبدیل به جرم تعزیری سرقت مسلحانه با مجازات حبس و شلاق می کند. افزون بر این، اعدام صرفاً یکی از مجازات های قابل اعمال در محاربه است و قاضی می تواند مجازاتی چون تبعید را هم در محاربه اعمال کند. تشخیص سوء نیت خاص متهم و همچنین تعیین مجازات پس از استماع دفاعیات متهم صرفاً با قاضی رسیدگی کننده به پرونده است. جدای از مباحث اثباتی مربوط به جرم، به نظر گفته این مقام مسئول سبب خدشه به اصل برائت در دادرسی های کیفری می گردد، چراکه چنین فردی مجرمیتش در دادگاه به اثبات نرسیده است و در مرحله تحقیقات مقدماتی قرار دارد. به عنوان نمونه، در جهت حفظ و پاسداری از این اصل و همچنین حفظ بی طرفی قاضی به عنوان یکی دیگر از تضمین های دادرسی منصفانه، ماده ۳۷۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۹۲، مقرر داشته است: "قاضی دادگاه نباید پیش از اتمام رسیدگی و اعلام رأی، در خصوص برائت یا مجرمیت متهم اظهار عقیده کند."

تاثیر این اظهار نظر به وضوح در نوع دادرسی انجام شده قابل مشاهده است. متهمین چند روز بعد از حادثه دستگیر شدند. بلافاصله پس از یک رسیدگی فوری در دادسرا و صدور کیفرخواست، اولین جلسه رسیدگی در کمتر از یک ماه از وقوع حادثه در ۹ دی در دادگاه انقلاب برگزار شد. دادستان عمل متهمین را محاربه قلمداد کرده و بر همین مبنا کیفرخواست صادر شده بود. اظهار نظر دادستان در جلسه رسیدگی حائز اهمیت است: "...در رابطه با افرادی است که هنوز از سلاح سرد استفاده می کنند. این افراد باید بدانند که قانون در رابطه با نگهداری از سلاح سرد و گرم مواردی را متذکر شده و نگهداری این سلاح ها جرم محسوب می شود و زمانی که افرادی سلاح بر روی مردم می کشند تحت عنوان محاربه تحت تعقیب قرار می گیرند." (همشهری آنلاین، ۱ بهمن ۱۳۹۱). مشخص است که دادستان پیرو فشار افکار عمومی شکل گرفته به دنبال یک سیاست کیفری عوام گرا و سخت گیرانه است و قصد دارد پیام سخت گیری خود را در دادرسی مخابره کند.

از دیگر نکات قابل توجه در دادرسی آن است که شاکي با وجودی که از عملکرد متهمان ناراضی است؛ ولی عمل آنها را محاربه نمی داند و متقاضی اعدام متهمان نیست. وضعیت متهمان نیز کاملاً دلخراش هست. همگی زیر ۲۴ سال سن دارند و برخی همچون متهم ردیف دوم به کلی فاقد سوء پیشینه هستند. اظهارات متهم ردیف اول مبنی بر اینکه پدر ندارد و اوضاع مالی بسیار اسفناکی دارند و مادرش با کارگری در منازل روزگار می گذارند و مادر وی برای عمل جراحی نیاز فوری به ۴ میلیون تومان پول دارد و وی به مادرش قول داده تا هزینه عمل وی را تهیه کند، به وضوح مثالی از دفاع اضطرار را در ذهن جلوه گر می کند. به هر روی، اگر بخواهیم یک طرفه به قاضی نرفته باشیم، مقررات موجود و متون فقهی به گونه ای بود که همان میزان از رفتار متهمان را محاربه در نظر گرفت. ایراد اما در اظهار نظر نهایی قاضی پرونده نهفته است: "در خاتمه لازم می دانم که با توجه به رهنمودهای ریاست محترم قوه قضاییه عرض کنم که کشیدن سلاح اعم از سرد و گرم به قصد اخافه الناس و ترساندن مردم و ایجاد رعب و وحشت در جامعه از مصادیق محاربه است و اگر پرونده ای به دادگاه انقلاب اسلامی تهران ارجاع شد، دادگاه انقلاب اسلامی تهران به شدت و با قاطعیت با آن برخورد خواهد کرد و من این را به عنوان یک هشدار یادآوری می کنم." (ایسنا، ۹ دی ۱۳۹۱).

بار دیگر به اصل برائت باز می گردیم. اظهار نظر مقام عالی قضایی بدون استماع اظهارات متهم و بدون در نظر گرفتن احتمالات مختلف، نقض اصل برائت بود. قاضی دادگاه به صورت ضمنی اشاره می کند که رای وی با توجه به رهنمودهای مقام عالی قضایی اتخاذ شده است (همان).

تحلیل های اشاره شده در ابتدای مقاله به خوبی در این پرونده قابل مشاهده است. حادثه ای اتفاق می افتد که واجد ارزش خبری متعددی است: حادثه در میان روز و در مرکز تهران اتفاق می افتد. کلیپ کامل سرقت موجود است. پس از توجه نسبی مردم به موضوع، صدا و سیما به آن می پردازد. پیرو پوشش خبری موضوع، ترس از جرم در خصوص موضوع شکل گرفته و مفسرین اخلاقی، مرتکبین را به عنوان اهریمن معرفی می کنند. در واکنش به این ترس، جامعه و حکومت می خواهد نشان دهد که کاری کرده: در کمتر از یکماه متهمین دستگیر و حدود ۴۰ روز بعد از وقوع حادثه، پرونده پس از طی مراحل مختلف دادرسی از تعقیب دادستان و تحقیق بازپرس و کیفرخواست دادستان گرفته تا دادرسی بدوی و رسیدگی در دیوان عالی کشور و استیذان رئیس قوه در حدود ۴۰ روز با اعدام علنی دو متهم پایان می پذیرد.

این پرونده، ضمن آنکه تمثیلی برای نقض اصل برائت و استقلال قضایی بود، می توانست به عنوان مثالی برای نادیده انگاشتن مهلت معقول هم به کار رود. موضوعی که در ادامه مقاله به آن پرداخته خواهد شد.

## ۲-۲. نادیده انگاشتن مهلت معقول

یکی از شرایط بهره مندگی از حق محاکمه عادلانه، رسیدگی به دعاوی و شکایت در اسرع وقت و مهلت معقول است. لزوم رعایت این اصل از جمله الزاماتی است که در اسناد حقوق بشر به آن اشاره شده است و انعکاس این اصل در مراحل تحقیقات مقدماتی و دادرسی وجود دارد (صابر و ناظریان، ۱۳۹۳: ۴۸).

رسیدگی در مهلت معقول بدین معناست که مدت رسیدگی از ابتدا تا انتها متعارف و معقول باشد. مهلت معقول بیانگر آن است که فرآیند دادرسی نباید

در مدت زمان طولانی و یا کوتاه صورت گیرد، بلکه باید حسب پیچیدگی پرونده و رفتار متهم و اعمال مقامات صالح قضایی مدت زمان آن تعیین گردد (همان: ۵۰). این حق در اسناد حقوق بشری از جمله جزء ج بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی با عنوان محاکمه بدون تاخیر غیرموجه و همچنین بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی با مضمون رسیدگی در مهلت معقول و بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون امریکایی با ذکر عنوان مدت معقول به رسمیت شناخته شده است (حسینی، ۱۳۹۳: ۱۳). شایان ذکر است همان گونه که کمیسیون اروپایی حقوق بشر، مصوب ۱۹۵۰ میلادی، به عنوان یک سند منطقه ۳-ای، بیان داشته است، مهلت معقول مفهومی مبهم است که فقط با لحاظ اوضاع و احوال هر مورد خاص باید بررسی شود (احمدی، ۱۳۸۹: ۶۳). در این خصوص برخی فقها هم عنوان نموده اند که هرگاه دعوایی نزد قاضی مطرح شد، ظاهراً شروع به رسیدگی و اتمام آن فوریت ندارد مگر آنکه طرفین دعوی یا یکی از آن دو از تاخیر در رسیدگی متضرر شود (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸: ۳). برای روشن شدن مفهوم مهلت معقول لازم است توضیح مختصری پیرامون اطلاع دادرسی و سرعت ناموجه داده شود.

اطاله دادرسی به طولانی شدن غیرمتعارف جریان رسیدگی به پرونده ها در مراجع قضایی می گویند. عواملی که به نحوی سبب کندی جریان رسیدگی شده و گاه تا مدت ها جریان دادرسی را به کلی متوقف می سازند، عوامل اطاله دادرسی نام دارند (همان).

سرعت ناموجه موضوع مورد توجه دیگر، منع رسیدگی به امر کیفری در مدتی کم تر از زمان متعارف و معقول است؛ به طوری که دقت فدای سرعت نگردد (همان). همچنین تسریع بیش از اندازه در فرآیند کیفری موجب کاهش دقت در رسیدگی، افزایش توجه به نتیجه گرایی، عدم دسترسی به دادرسی عادلانه، افزایش اشتباه در زمینه زدن برچسب مجرمانه به شهروندان، بازنمایی منفی از عملکرد نظام عدالت کیفری و ناکارآمدی این نظام در بازدارندگی را فراهم می نماید (نیازپور، ۱۳۸۹: ۳۷۴).

رسانه ها با بازنمایی حوادث جنایی در چند سال اخیر به طور فزاینده سبب نادیده انگاشتن مهلت معقول در دادرسی های کیفری شده اند. مردم تحت تاثیر ترس بوجود آمده از آن حادثه خاصی که در رسانه ها نشان داده شده و تحت تاثیر فضایی احساسی، و در نتیجه کارکنان نظام عدالت کیفری دچار عوام گرایی شده اند، و به عنوان یک مطالبه، خواسته رسیدگی فوری و خارج از نوبت را از نظام قضایی دارند. خواسته ای که نظام قضایی نیز در اغلب موارد به آن پاسخ رد نداده است. پرونده مذکور در قسمت قبل نمونه ای از این مسئله به شمار می رفت و کند و کاو در تاریخ رسیدگی های کیفری ایران به راحتی نموده های دیگری از این مسئله را نمایان می سازد.

به عنوان نمونه می توان به پرونده مشهور خفاش شب اشاره کرد. در این پرونده غلامرضا خوش رو متهم به قتل نه زن در سال ۱۳۷۶ محاکمه و محکوم به اعدام گردید. با اینکه غلامرضا خوش رو در جلسه دادگاه مدعی شده بود که یک همدست دیگر به نام حمید رسولی دارد، تحت فشار رسانه ای که در آن زمان ایجاد شده بود و رسانه ها دائماً عنوان می نمودند که مردم خواستار اجرای سریع عدالت هستند، جلسه دادرسی تا صدور حکم نهایی کمتر از سه ماه بیشتر طول نکشید (خبرگزاری ایسنا، ۲۱ مرداد ۱۳۹۴).

نمونه دیگری از سرعت ناموجه در دادرسی را می توان در محاکمات کیفری پیرامون جرایم اقتصادی در چند سال اخیر مشاهده کرد. در پرونده ای که در سال ۱۳۷۴ به اختلاس ۱۲۳ میلیاردی معروف بود. در حالی که مجازات مرتکب حکم سنگین اعدام بود از زمان رسیدگی تا صدور حکم نهایی تنها هفت جلسه دفاع و یک جلسه اعلام رای به طول انجامید، به عبارتی دیگر رسیدگی تا صدور حکم نهایی حدود پنج ماه به طول انجامیده بود (سایت خبری فرارو، ۱۱ مهر ۱۳۹۱). اگرچه شاید بتوان این نکته را عنوان نمود که رسیدگی در چنین پرونده هایی که افرادی به اصطلاح یقه سفید در آن دخیل هستند ممکن است سبب اعمال نفوذ گردد، اما به نظر بازم نمی توان این را دلیلی بر نقض اصول حاکم بر یک دادرسی منصفانه دانست.

یکی دیگر از نمودهای نقض اصل مهلت معقول، پرونده قتل قوی ترین مرد ایران، مرحوم روح الله داداشی در تیر ماه سال ۱۳۹۰ اشاره کرد. انتشار گسترده این پرونده بوسیله رسانه های مختلف سبب رسیدگی خیلی سریع در این پرونده گردید، به طوری که در فاصله پنج روز از ارتکاب جنایت، جلسه بازجویی از متهمان این پرونده توسط دادستان کل کشور برگزار شد و حکم قصاص در فاصله یک ماه و چند روز صادر گردید. با تجدیدنظرخواهی متهمان این پرونده رسیدگی به سرعت در دیوان عالی کشور آغاز گردید و حکم اعدام متهم اصلی که تنها ۱۸ سال داشت در تاریخ بیستم شهریور ماه تایید شد. بی شک بر هیچ کس پوشیده نیست رسیدگی به پرونده های قتل عمدی با توجه به حساسیت این پرونده ها زمان زیادی طول میکشد، اما در پرونده مورد اشاره با توجه به بازنمایی فراوان آن و ایجاد فضایی که به ظن رسانه ها ناامن شده بود و درخواست های مردمی در پرتو این فضای احساسی رسیدگی بسیار با سرعت انجام پذیرفت که به نظر برای پرونده مهمی مثل قتل عمدی که مجازاتش اعدام است زمان کوتاهی بود. تأثیر پذیری نظام قضایی از افکار عمومی به خوبی در رای صادره دیده می شود. در قسمتی از رای آمده است: "دستگاه قضایی با اقدامات سریع، دقیق و قانونی در کمترین زمان، پرونده را بررسی کرده و بلافاصله مراحل اجرای حکم بر اساس قانون گذرانده شد. در پایان حکم فوق اظهار امیدواری شده است که اجرای قصاص قاتل، درس عبرتی برای تمام مجرمان بوده و از سوی دیگر، مردم مطمئن باشند که حق مظلوم از ظالم در کمترین زمان با تلاش قوه قضاییه و نیروی انتظامی ستانده خواهد شد" (تابناک، ۳۰ شهریور ۱۳۹۰).

پیام فوق نشان می دهد که دستگاه قضایی در حین رسیدگی به یک پرونده که با پوشش رسانه ای وسیع روبرو است تا چه میزان دل نگران افکار عمومی و راضی کردن آنها است. نماد دیگری از دل نگرانی و تبعیت نظام قضایی از افکار عمومی از حاشیه مراسم اعدام دیده می شود. دادگستری استان البرز، روز

قبل از اعدام با صدور اطلاعیه‌ای تأکید کرده بود که "از هر گونه فیلمبرداری و عکاسی جلوگیری خواهد کرد و رسانه‌ها نباید عکاس و فیلمبردار به مراسم بفرستند"، ولی در روز اعدام نه تنها ممانعتی از حضور عکاسان نشد، بلکه جایگاه ویژه‌ای هم برای تصویربرداری بهتر مهیا شده بود (همان). این پرونده از منظر نظریه هراس اخلاقی نیز شایان توجه است. هراس اخلاقی نخستین بار توسط استنلی کوهن مطرح شد و کتاب او با عنوان گروه‌های شیطانی و هراس اخلاقی اولین، مهمترین و مطمئناً تاثیرگذارترین منبع در این زمینه است (Malcolm and Jonathan, 2007: 39). از منظر کوهن هراس اخلاقی زمانی به وجود می‌آید که شرایط، حادثه، فرد یا گروهی از افراد به عنوان تهدیدی علیه ارزش‌ها و منافع اجتماعی مطرح گردند (Gaynor and Ian, 2011: 2).

در نظریه هراس اخلاقی کوهن دو دسته از افراد نقش کلیدی دارند: نخست افرادی که هنگام احساس خطر برای ارزش‌های قالب فرهنگی یا اجتماعی هراس اخلاقی را دامن می‌زنند؛ این افراد کارفرمایان اخلاقی نام گرفته‌اند. از سوی دیگر، افرادی که متهم به نقض نظم اجتماعی می‌شوند و جماعت اهریمنی خطاب می‌شوند. بنا به نظریه کوهن نقش رسانه‌ها در ایجاد هراس اخلاقی انکارناشدنی است. رسانه‌ها با جنجال آفرینی و شایعه پراکنی به آشوب‌های اخلاقی دامن می‌زنند و خواسته یا ناخواسته هراس اخلاقی را به وجود می‌آورند. برای ایجاد هراس اخلاقی نیازی به وجود عمد در اقدامات رسانه‌ها نیست، بلکه کافی است که رسانه‌ها با گزینش‌گری رسانه‌ای اقدام به انتشار اخبار و داده‌ها نمایند و همین امر می‌تواند نگرانی، اضطراب و هراس را در دل مردم ایجاد نماید (نجفی ابرندآبادی و سیدزاده ثانی، ۱۳۹۱: ۱۴۰).

همان‌گونه که قبلاً ملاحظه شد، به موجب نظریه هراس اخلاقی، جامعه نسبت به برخی که آنها را اهریمن می‌پندارد، واکنش‌های احساسی و نامتناسبی را ابراز می‌دارد. با وجود از بین رفتن واکنش‌های احساسی در گذر زمان، ولی تاثیرات این احساسات زودگذر در نظام‌های حقوقی رسوب می‌کند که این امور، برخلاف آن احساسات گذرا، دیگر موقتی نیست و تا مدت‌ها آثار آن باقی می‌ماند. پیرو قتل روح‌الله داداشی و اقدامات سریع‌السير نظام قضایی در پیگیری پرونده، بازنامه‌ی رسانه‌ای فراوان پرونده قتل قوی‌ترین مرد ایران حتی در قانون‌گذاری کیفری که امر بسیار مهمی است تاثیر گذار بود، به نحوی که یک ماه پس از این پرونده طرحی یک فوریتی با عنوان طرح تشدید مبارزه با جرایم خشونت‌بار که الحاقی به ماده ۱۹ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری بود در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و در تبصره ۱ ماده ۱۹ این طرح مهلت رای پس از ختم دادرسی حداکثر سه روز اعلام شد و مهلت تجدیدنظرخواهی به یک هفته کاهش پیدا کرد. یکی از نکات جالب در این طرح آن است که در مقدمه طرح ادعا شده است که "۹۰ درصد قتل‌های خیابانی توسط جوانانی است که چنین ادواتی (چاقو و قمه و...) را به همراه دارند و به ناگهان مرتکب قتل می‌شوند." معلوم نیست که این ادعا برگرفته از تحقیق میدانی است. افزون بر اینکه مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارش کارشناسی خود نسبت به این طرح میزان قتل‌های بدون سبق تصمیم را ۶۹ درصد عنوان کرده ولی سخنی از وسیله ارتکاب جرم به میان نمی‌آورد. در گزارش کارشناسی تصریح شده که این طرح در فضای احساسی برآمده از قتل داداشی و یک نفر دیگر (قتل یک دختر دانشجو در پل مدیریت تهران) تقدیم شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱: ۱).

بازخوانی اظهارات اولیای دم مرحوم داداشی بعد از گذشت هفت سال نیز خواندنی و قابل تأمل است. به موجب نظام حقوق کیفری ایران، قصاص حق الناس و مبتنی بر مطالبه اولیای دم است. برادر بزرگ داداشی بعد از چند سال، در مصاحبه با رسانه‌ها بیان کرده است که ما خواهان قصاص نبودیم، اصلاً نفهمیدیم چه شد؟ از سوی دوستان مقتول و دیگران خیلی به ما فشار آوردند که گذشت نکنیم، اگر کمی به ما زمان می‌دادند، الان متهم قصاص نشده بود و از او می‌گذشتیم (ایسنا، بیستم تیر ۱۳۹۷).

### ۲-۳. نقض استقلال و بیطرفی مرجع قضایی

قضات هنگام تصمیم‌گیری باید از تبعیت از هرکس، غیر از قانون، آزاد و بدون ترس به دور از جانبداری اصحاب دعوا باشند و هیچ عاملی، اعم از افکار عمومی، فشار مقامات سیاسی، تاثیر منافع فردی و حزبی، عواطف شخصی و ... نتوانند بر حکم آنان تاثیر گذارد و همچنین باید قانون را عادلانه اعمال و تنها بر اساس واقعیات پرونده تصمیم بگیرند (حبیب زاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۷). منظور از استقلال فردی قضات، استقلال آنان در تصمیم‌گیری است که نقش برجسته‌ای در تحقق بیطرفی و انصاف قضایی دارد. یکی دیگر از موضوعات اجتناب‌ناپذیری که قاضی با آن مواجه است، رابطه با مقامات مافوق یا به عبارتی کارفرمایان قضایی اعم از رئیس دادگستری محل خدمت، دادگاه‌های بالاتر و سایر مقامات قوه قضاییه است، که این رابطه بسیار حساس و برای استقلال فردی، تهدیدی جدی است (همان: ۲۷ و ۲۸).

در اسناد مختلف بین‌المللی به استقلال مقام قضایی در دادرسی اشاره شده، و از بیطرفانه بودن و استقلال در دادرسی به منزله جزء ضروری آن سخن رفته است. در قانون آیین دادرسی کیفری کشورمان مصوب سال ۱۳۹۲ هم این اصل اساسی وجود دارد. رسانه‌ها با بازنامه‌ی وسیع پرونده‌ها در برخی موارد با ایجاد فضایی احساسی در میان مردم و تحت تاثیر رویکردی عوام‌گرا سبب ایجاد شائبه نقض استقلال قضایی در دادرسی‌های کیفری می‌شوند.

عنوان عوام‌گرایی کیفری یا پوپولیسم از دهه ۱۹۹۰ بوسیله اندیشمندان حقوق کیفری با الهام از مطالعات علوم سیاسی، برای توصیف جریان‌های فعال حوزه کیفری که ویژگی‌های عوام‌گرایانه دارند، برگزیدند (مقدسی و فرجیها، ۱۳۹۰: ۱۱۵). از عوام‌گرایی کیفری به عنوان ارائه پاسخ‌های ساده و غیرعلمی

برای حل مشکلات پیچیده اجتماعی یاد می شود. عدم توجه عوام گرایی کیفری به یافته های علمی، باعث شده که در این رویکرد، سیاست های موقتی و تبلیغاتی بر سیاست های علمی برتری یابد. افزایش ترس و ناامنی در نتیجه بازنمایی رسانه ای جرایم، سیاسی شدن جرم، نامیدی نسبت به الگوهای اصلاحی درمانی و رویگردانی دولت ها از الگوهای رفاهی به عنوان عوامل اصلی ظهور عوام گرایی کیفری به شمار می آیند (فرجیها و مقدسی، ۱۳۸۹: ۳). شکل گیری افکار عمومی پیرامون بزهکاری و تصور مردم از نهادهای پلیسی و قضایی تحت تاثیر رسانه ها، بی تردید مطالبات و نیازهای امنیتی را بوجود می آورد که دولتمردان عوام گرا - عمل گرا سعی می کنند با وضع جرایم و قوانین کیفری جدید، در حالی که هیچ نیازی به آن نیست، یا تشدید قوانین کیفری موجود، که خود ذاتاً شدید هستند، و با برگزاری سریع محاکمات و اجرای سریع مجازات (با تعدیل تشریفات متعارف آیین دادرسی) به آن پاسخ دهند، با علم به اینکه شدت عمل کیفری، بیشتر اثر مسکن و گذرا دارد و بازدارندگی مورد انتظار را محقق نمی کند و فقط این پیام را به مردم القا می کند که "دولتمردان بیدارند و با بی-کیفرمانی مجرمان سریعاً و قاطعانه برخورد می کنند" (نجفی ابرنآبادی د: ۱۳۹۰: ۴۷).

عوام گرایی ناشی از بازتاب رسانه ای جرم می تواند به نقض استقلال قضایی منجر شود. به عنوان نمونه، می توان به پوشش وسیع حکم برائت متهم پرونده ای که در رسانه ها به عقرب سیاه مشهور شد، اشاره کرد. طبق گزارش رسانه ها، عقرب سیاه متهم به تجاوز به سی زن در ناحیه رباط کریم است. طبق رای بدوی متهم به ده سال حبس، جزای نقدی و شلاق محکوم شده است. پس از انتشار حکم در رسانه ها با عبارت جذاب و تاثیرگذار، مانند ((اقدام عجیب دستگاه قضایی))، ((از بین رفتن امید اجرای عدالت))، ((به خطر افتادن امنیت زنان و خانواده ها)) و ((تعارض عملکرد قوه قضائیه با وعده های رئیس قوه)) تلاش کردند قوه قضائیه به ویژه قضات صادرکننده حکم را نکوهش کنند و بازتاب خبری در نهایت باعث شد که سخنگوی قوه قضائیه به فاصله اندکی از رسانه ای شدن حکم، بیان کند که رئیس قوه قضائیه شخصاً پرونده را ملاحظه و نسبت به رای صادر شده معترض هستند (تابناک ۹ اسفند ۱۳۸۹). اگر بخواهیم نگاهی واقع بینانه به مساله فوق داشته باشیم باید عنوان کنیم که چنین اقدامی و انعکاس آن در سطح وسیع در رسانه ها سبب ایجاد فشار روانی زیادی تحت فضای حاکم بر قضات رسیدگی کننده به پرونده می گردد و می تواند منجر به تصمیم گیری متفاوت نظام قضایی شود.

#### ۲-۴. تحدید حقوق دفاعی متهم

حضور وکیل در فرآیند دادرسی کیفری از چنان اهمیتی برخوردار است که سیاست گذاران جنایی در عرصه بین المللی و ملی آن را در شمار حقوق بنیادین بزه دیده و بزهکار آورده اند. در پهنه سیاست جنایی ملی نیز اصل سی و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۵۸، شاخص ترین و بنیادی ترین مبنای این حق است، که در پرتو آن حتی دولت مکلف شده امکانات مناسب را به منظور دسترسی همگان به این حق، فراهم نماید (هاشمی، ۱۳۸۴: ۳۰۷). علاوه بر این می توان به ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اشاره نمود.

از سوی دیگر در ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی این حق گنجانیده شده است. توجه سیاست گذاران جنایی در عرصه ملی و بین المللی نشان از اهمیت این حق می باشد.

حق مذکور، گویای این نکته است که متهم / بزهکار می تواند در سراسر فرآیند کیفری، از مشورت ها و همراهی ها وکیل، (به عنوان یک متخصص حقوق و آگاه به دانش و حقوق)، بهره مند شود (نیازپور، ۱۳۹۰: ۱۲۹). زیرا حضور وکیل، اسباب کاهش اشتباه های قضایی، افزایش امکان دسترسی به عدالت و برابری سلاح میان متهم / بزهکار و مرجع تعقیب دعوی عمومی را فراهم می سازد و بدین ترتیب، حضور وکیل متهم / بزهکار در فرآیند کیفری تعادل / توازن خش بوده و بر همین اساس مانع نابرابری کیفری می-شود، زیرا در گستره عدالت کیفری متهم / بزهکار بدون سلاح، توان مقابله با دادستان برخوردار از سلاح های متعدد را ندارد (همان). اما نکته ای که به نظر از اهمیت بالایی در مورد حق داشتن وکیل مدافع در دادرسی های کیفری برخوردار است، چگونگی و کیفیت دفاع بوسیله وکیل مدافع است، چرا که عدم دفاع مناسب با نداشتن وکیل مدافع تفاوتی نخواهد داشت و سبب تضییع حقوق متهم در فرآیند کیفری خواهد شد.

در رسیدگی به برخی از پرونده های کیفری در کشورمان در بسیاری از موارد شاهد دفاعیه های نامناسب وکلای مدافع هستیم. به عنوان نمونه می توان به پرونده مشهور غلامرضا خوش و معروف به خفاش شب اشاره کرد که در سال ۱۳۷۶ محکوم به اعدام گردید.

غلامرضا خوش و معروف به خفاش شب از معروف ترین قاتلان زنجیره ای ایران بود. وی قتل های زنجیره ای خود را که همراه با سرقت و تجاوز جنسی بود از سال ۱۳۷۱ در تهران آغاز کرد. یکبار در سال ۷۱ دستگیر شد ولی از چنگ مأموران گریخت و در بار دوم در سال ۱۳۷۶ دستگیر و به اتهام ۹ فقره قتل اعدام شد (همشهری آنلاین ۲۱ مرداد ۱۳۹۴). در ابتدا هویت غلامرضا خوشرو مشخص نبود. بخاطر همین هم در مطبوعات به او لقب خفاش شب داده بودند. با وجود اینکه پلیس ایران هیچ سرنخی از هویت غلامرضا خوشرو بدست نیاورده بود رئیس پلیس وقت تهران در برنامه تلویزیونی در شهر که از شبکه تهران پخش می شد صراحتاً او را از اتباع افغانستان معرفی کرد. اما بعداً با چاپ تصاویر غلامرضا خوشرو در روزنامه ایران یکی از بستگان غلامرضا خوشرو او را شناسایی کرد و کپی شناسنامه او را در اختیار روزنامه ایران قرار داد و به این شکل هویت اصلی خفاش شب شناسایی شد (همشهری آنلاین، ۲۱ مرداد ۱۳۹۴).

پس از معرفی خفاش شب به عنوان یک افغانی مردم نسبت به این مهاجرین بدبین شدند و عده ای از افراد خشمگین اقدام به حمله به دیگر افغانه مقیم ایران نمودند. به گونه ای که موارد متعددی از ضرب و جرح این افراد به ثبت رسید و شایعاتی نیز از قتل چند افغانی و بریدن سرسه افغانی در پاسخ به



این اقدام در رسانه‌ها مطرح شد (گنج‌ای ۱۹ دی ۱۳۸۶). به هر حال پوشش وسیع رسانه‌ای ماجرا در آن سال‌ها سبب شد تا افراد زیادی برای حضور در جلسه دادگاه و رسیدگی حضور به هم رسانند.

با توجه به مطالب فوق، عناصر ترس از جرم و هراس اخلاقی به وضوح در این مورد قابل مشاهده است. نتیجه این فرآیند هم قابل پیش بینی است: علاوه بر نادیده گرفته شدن برخی از حقوقی دفاعی متهم مانند مهلت معقول در این پرونده، شاهد نقض حقوق دفاعی متهم بودیم. دفاع از متهم در چنین فضایی کار ساده‌ای نیست. آنگونه که یکی از رسانه‌ها در خصوص جو حاکم بر مردم می‌گوید: "دفاع از چنین متهمی که مردم می‌خواستند دادگاه دست راست او را قطع کند همان‌طور که او دست یکی از قربانیان را قطع کرده بود، و پیکرش را آتش بزند همان‌طور که او این کار را با پیکر مقتولان کرده بود، حتماً یکی از سخت‌ترین کارهای دنیا بوده است." (همشهری آنلاین، ۲۱ مرداد ۱۳۹۴) وکیل مدافع متهم عملاً به جای دفاع از متهم، خود در مقام دادستان ظاهر شد و خود را مدعی العموم خواند. بازخوانی اظهارات وکیل متهم پس از حدود دو دهه قابل تامل است: "هرچند متهم به ظاهر انسان است اما سیرت و باطن او از هر حیوانی پست‌تر است. حکمت حضور وکیل جلوگیری از مکتوم ماندن حقیقت و رفع ستم به متهم است؛ حال آنکه در این پرونده ظلم شدید و ستم اکید به وسیله این جانی بر قربانیان و خانواده‌های آنها رفته و قلب مردم آزرده شده است. اینجانب وکیل متهم نیستم. مدعی العموم هستم. چگونه می‌توانم اتهام‌های متهم را نفی کنم حال آن که متهم صریحاً در مراجع و رسانه‌ها به گناه خود اعتراف دارد. صدور رأی عادلانه و شایسته برای وی، مورد تقاضا است" (همان).

این موضوع همان زمان مورد انتقاد برخی از وکلای معروف قرار گرفت و به عنوان نمادی از تضییع حقوق دفاعی متهم مطرح شد (همان).

بیست سال بعد و در هنگام رسیدگی به پرونده‌ی معروف ستایش در سال ۱۳۹۵، وکیل مدافع متهم نوجوان ۱۷ ساله‌ای که مرتکب قتل دختر شش ساله افغانی به نام ستایش شده بود، نحوه دفاع از خفاش شب، دوباره مطرح شد (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۹ آبان ۱۳۹۶). این قتل با توجه به مطالب مطروحه در ابتدای مقاله از ارزش خبری بالایی برخوردار بود. عناصر متعددی در این زمینه قابل توجه بود: جرم ارتكابی قتل و تجاوز بود که شدیدترین جرایم محسوب می‌شود، مرتکب نوجوان بود و قربانی کودکی بی دفاع و بالاخره ایرانی بودن مرتکب و افغانی بودن قربانی با توجه به زمینه‌های قبلی تضاد میان مهاجرین افغان و ایرانیان و بحث تحقیر و نادیده گرفتن حقوق آنان دست به دست هم داد تا این موضوع در سر خط داغ‌ترین اخبار و ترندها در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی قرار گیرد.

بسیاری از افراد، به خصوص از فعالین افغان، از همان ابتدا دغدغه خود را در خصوص رسیدگی ناعادلانه به پرونده اعلام داشتند. به عقیده این افراد افغانی بودن قربانی و ایرانی بودن مرتکب سبب می‌شد تا نظام ایران با موضوع با مسامحه برخورد کند. به نظر این عده از فعالان اگر مرتکب افغانی بود و قربانی ایرانی، برخورد بسیار سخت‌تر بود. افراد دیگری هم پیش‌پیش هر گونه ارفاق و عدم اعدام قربانی را محکوم می‌کردند. به عنوان نمونه برخی از واکنش‌های توییتی به خبر درگذشت ستایش به این شرح بود: "فعالان مدنی، کجا هستید که از #ستایش چیزی بگویند؟"، "بحث اعدام متهم که میاد به عده پرچم حقوق بشر دست میگیرن که متهم زیر سن قانونی بوده! #ستایش"، "باید ترسید. #ستایش"، این واکنش‌ها به وضوح نتایج پوشش وسیع رسانه‌ای جرم را نشان می‌دهد. پوشش رسانه‌ای این جرم ترس از جرم و هراس اخلاقی را سبب شد، با این تفاوت که اهریمن اخلاقی در این پرونده بر خلاف پرونده خوشرو، نظام عدالت کیفری ایران بود که متهم به تبعیض و ناعدالتی بود. تاثیر پذیری نظام قضایی از این فضای سنگین رسانه‌ای قابل مشاهده بود. دادستان تهران اعلام کرد که موضوع به سرعت مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت. دیگر مسئولین قضایی، نمایندگان مجلس و افراد ذی نفوذ در جامعه مانند سید حسن خمینی، همگی موضوع را محکوم کرده و وعده برخورد سخت گیرانه و قاطع با متهم را دادند.

در این پرونده گرچه وکیل مدافع متهم که به رایگان وکالت وی را بر عهده گرفته بود، کوتاهی نکرد، ولی فشار روانی فراوان حاکم بر نظام قضایی به گونه‌ای بود که هر گونه فرصت برای بازنگری در پرونده متهمی که در هنگام ارتکاب جرم، طبق اسناد بین المللی طفل محسوب می‌شد از بین رفت. با وجود اینکه قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، راه را برای عدم اجرای مجازات اعدام در خصوص بالغین زیر ۱۸ سال گشوده بود و "تردید" در رشد قوای عقلی را مانع تحقق مسئولیت کیفری به دلیل حدود و قصاص می‌دانست، هراس اخلاقی به وجود آمده سبب شد تا دفاعیات متهم شاید به دقت کافی مورد بررسی قرار نگیرد و قاعده فقهی در آن که به موجب آن حدود و قصاص به صرف وجود تردید ساقط می‌شوند، کنار گذاشته شود. گفتمان دادستان وارمین در خصوص موضوع، شاید جهت گیری مسئولین قضایی نسبت به موضوع را بهتر نشان دهد: "قرار شد پزشکی قانونی نظریه را در اسرع وقت تا یکی دو روزه آینده برای ما ارسال کنند تا ما پرونده را به دادگاه کیفری یک استان تهران برای رسیدگی ارسال کنیم. یکی از مواردی که باید پزشکی قانونی به ما اعلام کند، سلامت روانی متهم است؛ البته خودش ادعای عدم سلامت نکرده ولی ما برای تکمیل پرونده و برای اینکه برگه تایید سلامت روانی وی اخذ شده تا نقصی در پرونده وجود نداشته باشد و از طرفی دیگر متهم در آینده ادعایی خلاف وضعیت فعلی نداشته باشد، از پزشکی قانونی خواستیم که این موضوع را هم بررسی کند." (ایسنا، ۱۴ دی ۱۳۹۶).

از طرف دیگر، متهم در زمان ارتکاب جرم مشروبات الکلی مصرف کرده و طبق ادعای وکیل مدافع متهم مست بوده است. ارتکاب جرم در حال مستی به موجب ماده ۱۵۴ قانون مجازات اسلامی از عوامل رافع مسئولیت کیفری است، اما این دفاع هم چندان که باید و شاید در نظام کیفری مورد توجه قرار نگرفت. متهم نهایتاً در دی ماه ۹۶، و بعد از انتظار نظام قضایی برای عبور او از مرز ۱۸ سالگی اعدام شد.

## نتیجه‌گیری

در برخی از پژوهش‌های مشابه، پژوهشگران به رسانه‌ها توصیه می‌کنند که با دقت بیشتری اخبار جنایی را منتشر کنند تا اسباب نقض دادرسی منصفانه فراهم نشود (ترزومی نژاد، ۱۳۹۳، ص ۹). ولی، با توجه به تعدد و تکرر رسانه‌ها و به خصوص فزونی روزافزون رسانه‌های قانون‌گریز این توقع غیرواقع بینانه است. به دیگر سخن، دیگر نمی‌توان سخن از "رسانه" به عمل آورد؛ چرا که رسانه، جای خود را به "رسانه‌ها" داده است، رسانه‌هایی که بسیاری از آنها خارج از حیطه تسلط قانونگذار داخلی قرار دارند. از سوی دیگر، ماهیت رسانه، عدم انتشار همگون و واقعی اخبار است. رسانه بنا به ماهیت خود، حتی اگر بخواهد، نمی‌تواند عدالت کیفری را آنگونه که هست بازنمایی کند. بنابراین، روند انتشار اخبار جرایم مهم و خشن به قوت خود باقی خواهد بود. با باقی ماندن این روند، می‌توان انتظار داشت که ترس از جرم، هراس اخلاقی و عوام‌گرایی کیفری نیز پابرجا بماند.

با پابرجا بودن ترس از جرم و هراس اخلاقی نقض مجدد اصول دادرسی منصفانه هم خارج از انتظار خواهد بود. به نظر می‌رسد اگر بخواهیم دنبال اصلاح و تغییر باشیم، مهم‌ترین تلاش باید در جهت مصون‌سازی نظام قضایی از فشار افکار عمومی، ترس از جرم و هراس اخلاقی برآمده از بازنمایی رسانه‌ای جرم صورت گیرد. دقت بیشتر نمایندگان دستگاه قضا در اظهارنظرهای رسانه‌ای و کمک و خارج نکردن پرونده از روند معمول به دلیل فشار رسانه‌ای می‌تواند تا حد زیادی مانع از نقض اصول دادرسی منصفانه شود. در این میان استفاده از تجارب دیگر کشورها در خصوص نحوه مدیریت تقابل آزادی بیان و دادرسی منصفانه حائز اهمیت خواهد بود.

## منابع؛

## فارسی

- احمدی، احمد (۱۳۸۹)، <<مهلت معقول: پیشگیری از بزه‌دیدگی مکرر>>، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، ش یازدهم، ص ۸۰-۵۹.
- پیکا، ژرژ (۱۳۹۰)، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- ترزومی نژاد، وحیده و جمشیدی، شهرام، نقش رسانه و مطبوعات در تصمیمات کیفری قضات و اجرای احکام مبتنی بر عدالت، مطالعات رسانه‌ای، سال نهم، ۲۶، پاییز ۱۳۹۳، صص ۱۶۵-۱۷۶.
- حسینی، سیده لطیفه (۱۳۹۳)، آشنایی با مفاهیم عمومی بررسی مفهوم دادرسی عادلانه، چاپ اول، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
- حسینی، سیدحسین و دشتی، منصوره (۱۳۹۱)، <<بازنمایی کلیشه‌های جنسیتی در رسانه: مطالعه ادبیات داستانی آل-احمد>>، مجله جهانی رسانه، دوره ۷، ش ۱، صص ۶۴-۲۷.
- رابرتز، وی، جولیان، لورتا، جی. استالاز، دیوید ایندرومار و مایک هاف (۱۳۹۲)، عوام‌گرایی کیفری و افکار عمومی: درس‌هایی از پنج کشور، ترجمه زینب باقرنژاد، سوادیه رضوانی، مهدی کاظمی جویباری و هانیه هژبرالساداتی، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- سیدزاده‌تانی، سید مهدی (۱۳۹۰)، <<بازتاب عدالت کیفری در رسانه‌های گروهی: ضوابط و آثار>>، رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- سیدزاده تانی، سید مهدی و کرمانی، سعید (۱۳۹۲)، <<ترس از جرم در مشهد: میزان و عوامل>>، فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، سال چهارم، ش دوم، ۱۵۱-۱۱۹.
- صابر، محمود و ناظریان، حسین (۱۳۹۳)، <<مهلت معقول دادرسی در دیوان کیفری بین‌المللی و آراء دادگاه اروپایی حقوق بشر>>، مجله پژوهش‌های تطبیقی، دوره ۱۸، ش ۴، صص ۷۲-۴۷.
- فرجیه، محمد و مقدسی، محمد باقر (۱۳۸۹)، <<رویکرد عوام‌گرایی کیفری به عدالت کیفری نوجوانان و جوانان مطالعه تطبیقی>>، مجله آموزه‌های حقوقی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۱۴، صص ۲۸-۳.
- کرمانی، سعید (۱۳۹۲)، <<بررسی میزان و عوامل ترس از جرم در مناطق ۹ و ۴ شهر مشهد>>، رساله کارشناسی ارشد دانشکده حقوق، علوم سیاسی و زبان‌های خارجه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.
- گرانیپه، بهروز (۱۳۸۴)، ارزیابی خوانندگان مطبوعات از انتشار اخبار حوادث، چاپ اول، تهران: فرهنگ و پژوهش.
- گل‌خندان، سمیرا، خسروی، حسین، رجبی، اکبر و خلیلی، داود (۱۳۸۹)، <<بررسی تطبیقی آثار اصل برائت در مرحله تحقیقات مقدماتی در اسناد بین‌المللی حقوق کیفری ایران و سایر نظام‌های حقوقی>>، فصلنامه تخصصی فقه و مبانی حقوقی اسلامی، سال ششم، ش بیستم، صص ۱۴۲-۱۱۵.
- لازرژ، کریستین (۱۳۹۰)، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- محمودی‌جانکی، فیروز و مرادی حسن‌آبادی، محسن (۱۳۹۰)، <<افکار عمومی و کیفرگرایی>>، مجله مطالعات حقوقی، دوره سوم، ش دوم، صص ۲۱۴-۱۷۵.

- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱)، اظهارنظر کارشناسی درباره: طرح ممنوعیت به کارگیری سلاح سرد و تشدید مبارزه با جرائم خشونت بار، دوره نهم، سال اول.
- مقدسی، محمد باقر و فرجیها محمد (۱۳۹۰)، <<رویکرد عوام گرایی کیفری به جرایم جنسی (مطالعه تطبیقی)>>، مجله پژوهش های تطبیقی، دوره ۱۵، ش ۲، ص ۱۳۲-۱۱۳.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و سیدزاده ثانی، سید مهدی (۱۳۹۱)، <<رژیم بین المللی هراس اخلاقی: نقش رسانه>>، مجله تحقیقات حقوقی، ویژه نامه ش ۸، ص ۱۷۶-۱۳۷.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۹-۱۳۹۰)، سیاست کیفری عمل گرا - عوام گرا، تقریرات علوم جنایی، به کوشش زینب باقری نژاد، مجید صادق نژاد نائینی و سید مهدی سیدزاده ثانی، قابل دسترس در: [www.lawtest.ir](http://www.lawtest.ir)
- نیازی، محسن، شاطریان، محسن، بابایی، حسن و صدیق محمدی، محمد (۱۳۹۴)، <<فرا تحلیل عوامل موثر بر ترس از جرم در پژوهش های ایرانی>>، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال ششم، ش ۲، ص ۲۱۸-۱۹۵.
- نیکوکار، حمید رضا و همت پور، بهاره (۱۳۹۱)، ترس از جرم، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۹)، <<سرعت بخشی به فرآیند کیفری؛ سازکاری برای پیشگیری از بزهکاری>>، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، ش ۲۸، ص ۳۸۰-۳۶۵.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۰)، <<وکیل در قلمرو عدالت کیفری: بنیان ها و کارکردها>>، مجله پژوهشنامه حقوق کیفری، سال دوم، ش اول، ص ۱۴۲-۱۲۷.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادی های اساسی، چاپ نخست، تهران: انتشارات میزان.
- هیلال گوور، الکساندرا، رامین مشتاقی و ماندانا راسخ افشار کنوست (۱۳۸۷)، رهنمود ماکس پلاتن پیرامون موازین محاکمه عادلانه، براساس قانون اساسی افغانستان، قانون اجرائی جزائی موقت برای محاکم، قانون جزا افغانستان میثاق بین لمللی حقوق مدنی و سیاسی، ترجمه بشیر طنین چاپ چهارم، کابل، افغانستان.
- انگلیسی
- **Becker, Howard (1963), "Outsiders: Studies in the Sociology of Deviance", New York, the Free Press**
- **Blumler, G. Jay, News Media In Flux: An Analytical Afterword, Journal Of Communication, 42:3, PP. 100-107, 1992, P. 102, Available At: (Retrieved At: 27/05/2011). (Retrieved At: 19/07/2010)**
- **Cohen, Stanley (1972), "Folk Devils and Moral Panics", (3rd Ed.), London: Routledge**
- **Feeley, M. Malcolm and Simon, Jonathan (2007), Folk Devils and Moral Panics: An Appreciation from North America, in Crime, Social Control and Human Rights: from Moral Panics of Denial, Essays in Honour of Stanley Cohen, Cullompton, Willan Publishing**
- **Jewkes, Yvonne (2004), media & crime, London, SAGE Publications**
- **Hall, S., Critcher, C., Jefferson, T., Clarke, J. and Roberts, B. (eds) (1978) Policing the Crisis: Mugging, the State and Law and Order, London: Macmillan**
- **Marsh, Ian and Gaynor Melville (2009), Crime, Justice and the Media, New York, USA, Taylor & Francis: Routledge**
- **Marsh, Ian and Gaynor Melville, ))Moral Panics and the British Media – A Look at some Contemporary 'Folk Devils'((, (2011), Internet Journal of Criminology, ISSN 2045-6743 (Online**
- **Ward, J. Walter (1967), News Values, News Situations and News Selection: an Intensive Study of Ten City Editors, Ph.D. Dissedalion, University of Towa**
- سایت ها:
- خبرگزاری دانشجویان ایران ایسنا: ۲۱ مرداد ۱۳۹۴، ۹ دی ۱۳۹۱، ۱۴ دی ۱۳۹۶، ۲۰ تیر ۱۳۹۷ [www.isna.ir/news](http://www.isna.ir/news)
- سایت خبری فرارو: ۱۱ مهر ۱۳۹۱، [fararu.com/fa/news](http://fararu.com/fa/news)
- روزنامه خراسان، ۲۳ دی ۱۳۹۱.
- همشهری آنلاین: ۲۱ مرداد ۱۳۹۴، ۱ بهمن ۱۳۹۱، [www.hamshahrionline.ir](http://www.hamshahrionline.ir)

- سایت خبری تابناک: ۳۰ شهریور ۱۳۹۰، ۹ اسفند ۱۳۸۹، [www.tabnak.ir](http://www.tabnak.ir)

- باشگاه خبرنگاران جوان: ۱۹ آبان ۱۳۹۶، [www.yjc.ir](http://www.yjc.ir)